

متن پرسش

سلام: دل آشوبم. پر از بغض و ترسم. بعضی میگویند ما از این اوضاع جنگ می‌ترسیم. اما من ترسشون رو درک نمی‌کنم وقتی عزیزی ازشون تو این ماجرا درگیر نیست و من هر ثانیه رو با ترس از آینده و لحظه‌ی بعدی که خبر ندارم، دلوایس عزیزم هستم و منتظر زمانی که ببینمش و هی ترس از خبر ناگواری از دیگر نبودنش. دلتنگی و ترس و مسئولیت سنگین بچه‌های کوچکم تو تنهایی، آرامش رو از قلبم گرفته. خواهش می‌کنم ذکر و راهی بهم بدین که این آرامش بهم برگردونه و بتونم به یارم هم بدم و قوت قلبش تو این سختی‌ها باشم، نه باعث سنگینی و سختیش. چطور آدم میتونه به رضایت برسه، رضایت چه تو سختی مثل شهادت چه اضطراب در شرایط سخت؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! وقتی متوجه باشیم دنیا صاحب دارد، چرا با توکل به خداوند و زیر سایه او زندگی خود را در انس با مخلوقات و ایثار به آن‌ها ادامه ندهیم؟! و شور زندگی را در دل چنین روش‌هایی پایدار و زنده نگه نداریم؟ باید مطمئن بود هر آنچه مصلحت ما و فرزندانمان است زیر سایه حضرت معبود، آن می‌شود که مصلحت است. «کارساز ما به فکر کار ما است / فکر ما در کار ما آزار ما است». موفق باشید